

دانش‌آموز روح مدرسه

محمد داوری

دومین هفته است که پس از بیش از دو سال غیرحضوری شدن کلاسها دوباره هیاهوی کودکان و نوجوانان جلوه دیگری به شهرها و روستاها داده است. دانش‌آموزان کیف به دست با لباسهای فرم مدرسه و فریادهای زنگ تفریح به ویژه فریاد زنگ آخر حال و هوای خاصی را به کوچه‌ها و خیابانها داده‌اند، حال و هوایی که با طولانی شدن آموزش غیرحضوری داشت کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شود. این حس و حال و این تب زندگی و تپش قلب نظام آموزشی بیش از هر چیزی باید ما را متوجه اصلی‌ترین عنصر فرآیند آموزش و پرورش یعنی «دانش‌آموز» نماید، عنصری که همه چیز و همه کس برای آن در این سیستم قرار می‌گیرند و از وزیر گرفته تا خدمتگزار مدرسه همه و همه برای دانش‌آموز مشغول ایفای نقش هستند. شاید دو سال است که به دلیل حضور نداشتن دانش‌آموزان در مدرسه کمی به فراموشی سپرده شده‌اند و یادمان رفته بود که تمام بحثها و گفت‌وگوها و مخالفتها و موافقتها و طرحها و برنامه‌ها برای دانش‌آموز است، برای اینکه کودکان و نوجوانان در تجربه دوازده سال تحصیل، صاحب دانش و مهارت و توانمندی لازم و به طور کلی به گونه‌ای رشد و تربیت یافته شوند و در ابعاد مختلف به بلوغ برسند که به عنوان يك شهروند نقشهای فردی و اجتماعی خود را به خوبی ایفا کنند. حضور دانش‌آموز در مدرسه و برگزاری کلاسهای حضوری بیش از هر چیزی جلوه‌گر این واقعیت است که دانش‌آموز روح مدرسه و کلاس است و در دنیای جدید دیگر تعریف قدیمی و سنتی از مدرسه بی‌معنا است. در و دیوار و ساختمان نیست که به مدرسه معنا میدهد بلکه دانش‌آموز است که به این مفهوم جلوه و معنا می‌بخشد. دانش‌آموزی که روح مدرسه و کلاس است متأسفانه در تصمیم‌سازیها و تصمیم‌گیریها و در طرحها و برنامه‌ها چندان جایگاهی ندارد و دیده نمی‌شود به این معنا که کارشناسان و مدیران و تصمیم‌گیران به دور از واقعیتها و نیازها و ویژگیها و تفاوت‌های نسل جدید کتاب درسی تالیف و تدوین می‌کنند و دستورالعمل‌های آموزشی و پرورشی صادر می‌کنند، غافل از اینکه بسیاری از این محتواها با این نسل ناسازگار است و جذابیت چندانی نداشته و بسیاری از این شیوه‌ها برای نسل دنیای اینترنت و موبایل و شبکه‌های اجتماعی ناکارآمد

است. این کم‌توجهی باعث آزردن روح کلاس و مدرسه و بیگانگی دانش‌آموز با نظام آموزشی شده است و موجب شده تا بیش از هر کسی دانش‌آموزان برای بازگشت به این کالبد ناسازگار مقاومت کنند و همچون روحی که لذت آزادی از قفس جسم را تجربه کرده است تمایلی به بازگشت کالبد عذاب‌آور را نداشته باشد و کمترین واکنش اعتراضی او رفتارهای ناسازگارانه در کلاس و مدرسه است و کوچک‌ترین مقاومت او مناسب نکردن ظاهر خودش با آنچه که مسوولان مدرسه از او می‌خواهند، است. به نظر می‌رسد مسوولان آموزش و پرورش باید با درک دنیای جدید و روانشناسی جدید کودکان و نوجوانان به دنبال ساختن مدرسه و تالیف کتاب و تدوین روش‌هایی باشند که متناسب با این روح سرگردان و معترض باشد و بیش از این با افزایش شکاف کلاس و مدرسه و معلم و شاگرد استعدادهای این مرزو بوم را به هدر ندهند.

منبع: روزنامه اعتماد 22 فروردین 1400 خورشیدی